

ماجرای عشق و عاشقی میدون

تلویزیون، زرشک و ما زبان بسته‌ها



پوریا عالمی

● من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست، دیروز هم که رفتم خواستگاری دیدم بابای سوفیا کله‌اش را با پاندیچی کرده. گفتم: آخ...آخ... چی شده؟

بابای سوفیا گفت: از دست تلویزیون عصبانی شدم و زنگ زدم تلویزیون و گفتم آقا چرا به مردم توهین می‌کنید و زرشک را بریزید روی پلوی عروسی خودتان که تلویزیون گفت زرشک... لطفا شما هم نقدتان را روی یخ بنویسید. در نتیجه با سر رفتم توی تلویزیون، بعد تلویزیون را از پنجره انداختم پایین که افتاد روی سِر اسب همسایه و مرد. از دیشب بازداشت بودم.

گفتم: چرا؟ چون اسب همسایه مرد؟

بابای سوفیا گفت: نه، چون وسط برنامه زرشک تلویزیون را خاموش کردم، گفتند به تهیه‌کننده و مجری توهین شده و دچار آسیب روحی شدند. گفتم: اوه‌اوه... یک‌بار یکی مارو زد. افسر آمد، گفت از کجا زده و فرد از کجا خورده؟ گفتم یارو از جلو زده و طرف از عقب خورده. افسر گفت پس مقصر طرف است چون از عقب زده.

بابای سوفیا گفت: نمردم و تو به نکته درستی اشاره کردی. حاکمت ما و تلویزیون همین است، مالیاتش را ما می‌دهیم و بودجه‌اش را ما تأمین می‌کنیم اما ما حق حرف‌زدن نداریم و او هم زل می‌زند توی چشم ما و هر چه می‌خواهد می‌گوید. ما نهایتاً کنترل صدا دستمان است که صدا را کم و زیاد کنیم ولی کنترل تولید که دستمان نیست. بفرما. گفتم: بله واقعا. تلویزیون زبانش باز است و ما جلو تلویزیون زبان‌بسته‌ایم.

گفتم: حالا تلویزیون شکست؟ امشب جم نمی‌زنی؟

بابای سوفیا گفت: بدتر از تلویزیون که نگران ماها نیست، تو هستی که نگران من نیستی و نگران تلویزیونی.

گفتم: نه راستش. من نه نگران شما بودم نه نگران تلویزیون. نگران آن زبان‌بسته هستم که مرد.

نتیجه‌گیری

آسیبی که تلویزیون به شما می‌زند از آسیبی که شما به تلویزیون می‌زنید بیشتر است. لطفاً تلویزیون را نشکنید.

پیشنهاد

● شماره چهارم ماهنامه فرهنگی و اجتماعی «بوکان»، منتشر شد. این ماهنامه محلی، این شماره خود را با چندین گزارش اجتماعی آغاز کرده است، یکی از این گزارش‌ها واکنشی

است به سه مورد اقدام به خودسوزی زنان در هفته آخر فروردین ۱۳۹۵ در کردستان. گزارش بعدی این ماهنامه به مناسبت روز بین‌المللی «جهان غاری از مین» تهیه شده است. این شماره همچنین ویژه‌نامه‌ای دارد در بزرگداشت «همین موگرانی»، شاعر کرد. مقاله‌ای با عنوان «ما چگونه هدایت شدیم»، از قسمت‌های دیگر بخش ادبیات این نشریه است. در این مقاله تلاش شده تأثیر «بوف کور» هدایت بر داستان‌های مدرن کردی نشان داده شود. این ماهنامه همچنین مقالاتی در حوزه سیاست بین‌الملل و فلسفه سیاسی دارد.

● نمایشگاه جلال سیهر با عنوان «محدوده قرمز» در گالری راه ابریشم برپا شده است و تا سوم خرداد ادامه دارد. در بیانیه نمایشگاه آمده است: «محدوده قرمز، جایی که راه‌ها در آن ادامه

نمی‌یابند. محدوده‌ای که زمان و مکان در آن برآشفته و هنجارها در هم شکسته است. نیروهایی بیگانه بر آن تحمیل شده‌اند و هر لحظه ملتعب حادثه‌ای تازه است؛ محدوده قرمز جایی به وسعت خاورمیانه». گالری شنبه‌ها و تعطیلات عمومی تعطیل است. گالری راه ابریشم در خیابان شهید لواسانی غربی (فرمانیه)، شماره ۱۰۳، واحد ۲ قرار دارد.



شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۲ شعبان ۱۴۳۷ • ۱۰ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۷۹ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنامه‌فرا

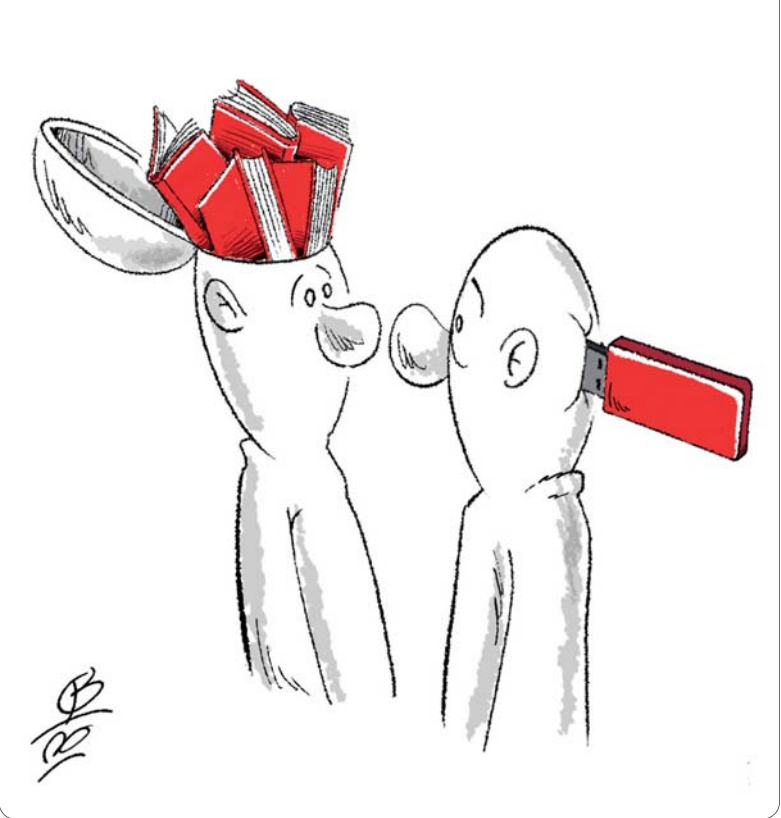
کارتون خواب



علی میرایی

instagram.com/alimiraee

نمایشگاه کتاب و ظهور رسانه‌های دیجیتال



از منظری دیگر

درس‌های پنهان یانگوم و جومونگ

امیرحسین علم‌الهدی، اگر کمی در اوضاع و احوال برنامه‌های تلویزیونی این روزها کنکاش کرده باشید، متوجه بازپخش سریال‌های کره‌ای خواهید شد و جالب این است که این بازپخش‌ها همچنان مخاطبان خاص خودشان را دارند و همه این سریال‌های تاریخی که به قبل از میلاد مسیح(ع) مربوط هستند، نه از لحاظ ساختاری و نه در روایت، پیچیدگی‌های سریال‌های بزرگ و پرچشم‌سنیمای ایران را ندارند و همه این سریال‌ها در یک شهرک تلویزیونی تولید شده‌اند و به‌راحتی قصه خود را تعریف می‌کنند که مخاطب ایرانی نیز شخصیت‌های این سریال‌ها را خیلی بیشتر از شخصیت‌های تاریخی ایرانی می‌شناسد و خب، قدرت رسانه به‌جز این از آن انتظاری نیست. این یادداشت درباره قوت و ضعف تکنیکی این سریال‌ها نیست بلکه بیشتر سعی دارد تاریخ‌سازی این سریال‌ها را برای کشور کره بازخوانی کند. اگر دقت کرده باشید، همه پادشاهان این سریال‌ها همگی پادشاهان اخلاق‌گرا و مردم‌دوست هستند و این پادشاهان همگی درنهایت بر پلیدی و پلشتی درباریان خود غلبه می‌کنند و از قهرمانانی از جامعه فرودست حمایت کرده و آنها را به مراتب بالای دربار می‌رسانند. از دو نکته نباید در این سریال‌ها غافل شد و نکته اول یادآوری پادشاهان خوب و اخلاق‌گرا برای این نسل جدید کره است که بدون شک در حافظه ناخودآگاه مخاطب، می‌توان این پاکدامنی و در مدار اخلاق‌بودن را به حاکمان فعلی کره‌جنوبی سرایت داد و فرهنگ «حاکمان پاکدست و اخلاق‌مدار» را به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه کشور کره‌جنوبی در ذهن مخاطب «ته‌نشین» کرد و به‌نوعی هر کره‌ای فرهنگ «حاکمان خوب» خود را تا قبل از میلاد مسیح(ع) ردیابی کند و نکته دوم این یادداشت، نقش‌های کلیدی زنان در این سریال‌هاست که توانسته براساس داستان‌های طراحی‌شده، زنان را به عنوان نقاط عطف داستان در روایت تاریخی سریال‌ها به‌یادماندنی کند و مشارکت کره‌جنوبی که اکنون هم دارای رئیس‌جمهور زن هستند، بدون‌شک حاصل فرهنگ و تاریخ‌سازی رسانه‌های کره‌ای است که براساس مصالح ملی کره‌جنوبی، این

اخباری که اخیراً در رسانه‌ها منتشر شده مبنی‌بر خودکشی برخی از شهروندان در خیابان‌های شهر، این سؤال را مطرح می‌کند که انگیزه اصلی آنها از پایان‌دادن به زندگی خویش در فضای عمومی چیست؟ چنین تحلیلی قطعاً نیاز به حضور روان‌شناسان اجتماعی یا جامعه‌شناسان دارد تا با نگرش به رفتارهای آنها، از انگیزه‌های درونی‌شان سخن بگویند اما به‌عنوان یک شهروند که در شهری زندگی می‌کنم که در چندروز اخیر، فردی خودش را در یک خیابان حلق‌آویز کرده و فردی دیگر از بالای پلی در اتوبان، خود را به پایین پرت کرده است، پیش از هرچیز ابراز تأسف و تألم دارم و پس از آن، می‌اندیشم که ریشه چنین اقدامی را که به نظر می‌رسد به‌نوعی، اعتراض عمومی باشد، باید در بخش‌های مختلف جست.

دراین‌میان، قطعاً یکی از ریشه‌های چنین اقداماتی، فقر اقتصادی و مشکلات معیشتی است که جامعه

پیشنهادهای نمایشگاهی

تاریخ مکتب‌ها و باورهای اسلامی



علی‌اصغر سیدآبادی

● در روزگار ما که جنگ‌های فرقه‌ای منطقه خاورمیانه را فراگرفته است و بسیاری از رقابت‌های اقتصادی و سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان و تروریست‌هایی مانند داعش در پوشش‌های مذهبی توجیه می‌شود، شناختی محققانه از دیدگاه‌های فرق و مذاهب اسلامی ضرورت دارد و با وجود ضرورتش، با کمبود شدید آن مواجهیم. بیشتر متون در معرفی فرق و مذاهب و ازجمله شیعه دوازده‌امامی که ما باشیم، یا متونی ترویجی و تبلیغی هستند یا متونی در رد آن، باز هم با دلایل و توجیهات درونی یک مذهب که به کار شناخت غیرمعتقدان نمی‌آیند.

بدیهی است شناخت کاملاً بی‌طرفانه ممکن نیست و هر محقق و نویسنده‌ای - حتی اگر تلاش کند بی‌طرفانه بنویسد- گرفتار چارچوب‌های فکری و روش است و بسیاری حتی برای تحلیل اتفاقات روز منطقه، خود را نیازمند چنین شناختی می‌دانند و اگر به این نیاز پاسخ‌هایی منصفانه داده نشود، دیگرانی با چارچوب‌های فکری و تجربه خود، به آن پاسخ خواهند داد. طبیعی است هر تلاشی در این زمینه می‌تواند با نقدهایی روبه‌رو شود. اما همین نقدها نیز باعث به وجودآمدن بحث‌های مفیدی خواهد بود. چند سال پیش که ترجمه کتاب، مکتب در فرایند تکامل، نوشته سیدحسن مدرسی طباطبایی توسط نشر کویر به بازار کتاب آمد، واکنش‌های مختلفی غیرانتزاعی و بزرگانی وارد بحث‌های مفیدی شدند. در روز پیش در غرفه نشر ماهی در نمایشگاه با کتابی با نام «تشیع امامی در بستر تحول»، نوشته حسن انصاری مواجه شدم که نگاهی تاریخی به مکتب‌ها و باورها در ایران و اسلام دارد. این کتاب مقاله‌هایی دارد که بخش‌هایی از آن را در سایت‌ها خوانده بودم و با مرور دوباره آنها، به نظر رسید گردآمدن این مقالات و یادداشت‌ها کنار هم یکی از کوشش‌ها برای پاسخ‌دادن به آن نیاز است. اهمیت این مقاله‌ها برای من غیرمتخصص، نگاه فرهنگی مؤلف است. نقطه عزیمت او در این کتاب نه حوادث و روایت‌ها که کتاب‌هاست با اشاره به جزئیاتی که معمولاً در این نوع نوشته‌ها غایبند. حتی در فصل اول که به تحول‌تلاشی و فقهی پرداخته، باز هم نگاهی فرهنگی به موضوع دارد. نکته دیگری که درباره کتاب می‌توانم بگویم، نثر نسبتاً پاکیزه و قابل فهم آن است که در این حوزه کمیاست. این کتاب قابل توصیه به همه شیعیان و همه غیرشیعیانی است که می‌خواهند شناختی غبرترویجی از آن به دست بیاورند.



را فراگرفته و در بخش‌های مختلفی چون خدمات، صنعت و... به‌خوبی قابل‌مشاهده است. این بحران عمومی و فشارهای ناشی از آن، نه‌فقط بر نهادهای اقتصادی بلکه بر انسان‌های فعال در چنین نهادهایی نیز وارد می‌شود و گاهی ممکن است، دیرکرد در دریافت حقوق ماهانه، عقب‌افتادن اقساط بانکی، ناتوانی در رفع نیازهای مادی فرزندان و... عاملی شود برای اینکه فرد، تعادل روانی خود را از دست بدهد و سرچشمه‌های امیدش خشک شود. در گذشته، رسم چنین بود که افراد به صورت مخفی و بعضاً درون خانه‌های خود، دست به خودکشی می‌زدند اما امروز، گویی می‌خواهند اعتراضشان را به شکل عمومی نیز بیان کنند.

بعد از انتخابات سال ۹۲ شاهد رشد امید در جامعه بودیم که اوج آن، در تصویب برنامه رخ نمود. تصور عمومی این بود که گره‌های اقتصادی و معیشتی مردم در یک زمان معقول و منطقی به مرور گشوده خواهد شد و جامعه، شاهد نتیجه اعتمادش به صندوق رأی خواهد بود. اما درست پس از تصویب برنامه بود که کارشکنی‌ها آغاز شد و مذاکرات دوساله هسته‌ای که یکی از افتخارات دیپلماسی در ایران است با واکنش‌های منفی و بعضاً کارشکنانه مواجه شد. در

یادداشت

ریشه‌های امید در جامعه خشک نشود

آن‌سوی آب‌ها هم گروهی دست به اقداماتی زدند که تحریم‌ها کنار نرود و مشکلات با وجود تصویب برجام حل نشود اما اگرچه ما نمی‌توانیم در حوزه موانع خارجی اجرای برجام، قدمی برداریم، کاش در زمینه اجرایی آن در داخل کشور، ثابت‌قدم باشیم. به نظرم اتفاقات اخیر باید تلنگر و هشدار باشد برای مسئولان جامعه، چراکه اگر برجام به‌خوبی اجرا نشود و نتایج مثبتی در اقتصاد و امنیت اجتماعی جامعه نداشته باشد، زمینه‌ساز خشک شدن چشمه‌های امید در بطن جامعه است. هشدار اخیر وزیر محترم کار درخصوص افزایش بحران‌های اجتماعی مبنی‌بر پنج‌برابرشدن فقر شهری و دوبرابرشدن فقر روستایی و گسترش اعتیاد به طبقات میانی جامعه، مسئولیت همگان به‌ویژه مسئولان و مدیران کشور را در قبال این هشدارها سنگین‌تر می‌کند. بر پایه فرضیه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر این رخدادها بهانه‌ای است برای یادآوری مسئولیت سنگینی که دولت، نمایندگان مجلس دهم و دیگر مسئولان کشور در آستانه مجلس تازه بر دوش دارند. باید زمینه‌های حفظ امید و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را، با تعامل و تقویت روحیه همکاری جمعی، فراهم کنند.

رودررو

کزازی: کارگران ایرانی مدیر و سخنور بوده‌اند

را بسیار اندک در پاره‌ای از این کشورها می‌توانید یافت. در آن روزگار بر پایه این یافته‌ها که کمترین چندوچون و کمانی در آنها نیست، کارگران ایران چند هزار سال پیش بسیار ارجمند بوده‌اند.

ا این ارجمندی در ادبیات ایران هم منعکس شده است؟

هم در اسطوره‌های ایرانی و هم در تاریخ ایران ما به کارگرانی بازمی‌خوریم که در خیزش‌های اجتماعی و سیاسی کارکردی بنیادین داشته‌اند. گاه رهبری این خیزش‌ها برعهده آنان بوده است. یک نمونه بسیار شناخته از این کارگران کرانمیه و بلندپایه در اسطوره‌های ایرانی در شاهنامه کاوه است که بیشتر او را با پیشه آهنگری می‌شناسیم. او بود که در درون مرزهای ایران بر ستمکاری مردم‌کش به نام دهاک ماردوش برشورید، با فریدون که بیرون از مرز به ستیز با دهاک برشوریده بود، هم‌پیمان شد و او را در برانداختن این فرمانروای دیوخو باری داد. با در ایران نو یا ایران پس از اسلام، ما با نمونه‌ای دیگر از این‌گونه پیشه‌وران بازمی‌خوریم؛ آهنگری که نام «کولوسفندیار» که بر ستم و سهاکاری فرمانرانان مغول در خراسان برشورید و یکی از بنیان‌گذاران خیزش سربداران بود.

ا چندر رویدادهای اجتماعی و سیاسی در کم‌قدرشدن این واژه تأثیرگذار بوده‌اند؟

به گمان چنین است. پدیده‌های فراگیر اجتماعی ریشه در دگرگونی‌هایی دارند که اندک‌اندک گسترش و روایی یافته‌اند، سرانجام یکی از هنجارهای پایدار اجتماعی را پدید آورده‌اند. گاهی ما می‌بینیم که در پاره‌ای از کشورها کارگر آنچنان پستی گرفته است که کمابیش با برده یکسان شده است. کارگر به‌جای آنکه به کار بپردازد به بیگاری گرفته می‌شود. ازسوی دیگر اگر نگاهی به زیست‌نامه‌های هنرمندان و سخنوران ایرانی بیفکنید، ده‌ها نفر را خواهید یافت که در شمار کارگران بوده‌اند و حتی بخشی از نامشان به پیشه‌ای که می‌ورزیده‌اند بازمی‌گردد.

ا آیا تأکید بر وجوه اسطوره‌ای و پهلوانی یک واژه می‌تواند بسر تغییر این وضعیت کارگران تأثیرگذار باشد؟

بی‌گمان چنین است؛ زیرا واژه تنها به کار آن نمی‌آید که ما اندیشهای را به دیگری برسانیم. واژه مانند هر پدیده دیگری سرگذشت و سرنوشتی ویژه خویش دارد. واژگان زاده می‌شوند، می‌بالند، می‌پرورند، می‌گسترند و می‌تواند بود که زمانی هم بمیرند و از میان بروند. ما هنگامی که سرگذشت معنی‌شناختی واژه را برمی‌رسیم، به‌تدریج به گل‌گشتی دلپذیر و بسیار ارزنده و آموزنده در پهنه‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایران می‌پردازیم. شما به‌آسانی می‌توانید با بررسی این سرگذشت دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و اندیشهای را پی بگیرید و نشان دهید. در واژه کار و کارگر هم آشکارا می‌توان افت ارزش این دو را دید و دریافت. هنگامی که کارگر را هر ایرانی دیگر با بررسی واژه کار سرگذشت آن را هم در تاریخ و فرهنگ یافت، دانست که کار و کارگر در گذشته ارزش بسیار داشته است، پشتوانه‌ای نیرومند خواهد یافت که بکوشد این ارج و ارزش را دیگر بار کارآمد بگرداند و برساند به آن پایه‌ای که در گذشته داشته است.

آن‌سوی دنیا

انسان‌دوستی از سیاست پیشی می‌گیرد

در رتبه سوم این فهرست می‌تواند به دلیل تعداد بالای رای‌دهندگان چینی در این نظرسنجی باشد. «جکی چان»، بازیگر هنگ‌کنگی، در جایگاه چهارم مردان این فهرست است. در جایگاه چهارم زنان این فهرست «اپرا ونیفری»، مجری آمریکایی، قرار دارد. جایگاه پنجم مردان این فهرست متعلق به «استیون هاوکینگ»، کیهان‌شناس آمریکایی، است. جایگاه پنجم زنان در این فهرست نیز متعلق است به «میشل اوباما».

فعالیت‌های بشردوستانه‌شان شناخته می‌شوند در صدر این فهرست و سقوط سیاستمداران در این فهرست نسبت به سال ۲۰۱۵ می‌تواند نشان‌دهنده پیشی‌گرفتن انسان‌دوستی از سیاست باشد. در این فهرست، باراک اوباما و ملکه الیزابت دوم در جایگاه دوم تأثیرگذارترین مرد و زن قرار دارند. «شی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین و هیلاری کلینتون در جایگاه سوم قرار گرفته‌اند. می‌تواند. حتی زنان کارگر به هنگام آبهستی و زمانی چند پس از زایمان همچنان با مزد در آسایش به‌سر می‌برده‌اند. شما اگر به قانون کار در این روزگار که کشورهای پیشرفته نگیرید، این گرامیداشت کار و کارگر

براساس یک نظرسنجی، فهرست تأثیرگذارترین زنان و مردان جهان در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. براساس این فهرست، «آنجلینا جولی» و «بیل گیتس» امسال تأثیرگذارترین زن و مرد جهان هستند. این فهرست هرسال توسط مؤسسه نظرسنجی «یوگاو» (YouGov) منتشر می‌شود. وبسایت مؤسسه یوگاو، با انتشار گزارشی از این نظرسنجی و ارائه فهرست نهایی، اعلام کرده فراگرفتن شخصیت‌هایی که بیشتر به‌خاطر